

قهرمان، احمد. فلور ایران. تهران، جلد اول، انجمن ملی حفاظت منابع طبیعی و محیط انسانی با همکاری دانشگاه تهران، ۱۳۵۷. ۱۲۵ برگ. جلد دوم، سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۰. ۱۲۹ برگ.

ایران از لحاظ طبیعی، کشوری است هنوز کشف نشده. این سخن شاید عجیب یا دست کم اغراق آمیز جلوه کند، زیرا سرزمینی چنین کهنسال که زادگاه مردمی با هوش و خلاق و مهد تمدن و فرهنگی این همه درخشان بوده است چگونه می‌تواند از جهتی نامکشوف مانده باشد؟ ولی واقعیت این است که از گذشتگان ما کتابی، سندی که تصویری نسبتاً جامع از طبیعت ایران بدست داده باشد موجود نیست، و شواهد فرهنگی حاکی از آنند که به احتمال قریب به یقین چنین کتاب و سندی نوشته نشده و تهیه نگردیده

فلور ایران

تألیف و تدوین:
دکتر احمد قهرمان - دانشگاه تهران

از انتشارات:
سازمان حفاظت محیط زیست
با همکاری:
مرکز نشر دانشگاهی



جلد دوم - ۱۳۶۰
قیمت - ۱۲۵۰ ریال

درباره فلور ایران

ناصر ایرانی

جهت مطالعه طبیعت ایران و ویژگیهای بوم شناختی آن برداشته شده است، ولی این گامها هنوز در مراحل آغازین است و به قلمرو آگاهی ملی نرسیده است. هنوز می‌توان گفت که طبیعت ایران، دست کم در سطح ملی، ناشناخته مانده است.

بنابراین قدر هر قدم تازه‌ای را که محقق در این جهت برمی‌دارد و هر کتاب جدیدی را که دانشمندی در معرفی جنبه‌ای از حیات طبیعی ایران می‌نویسد باید شناخت، زیرا بقدر وسع خود به نیاز پژوهشی بسیار مهمی پاسخ می‌دهد که واجد پیامدهای فرهنگی و علمی و اقتصادی و تفریحی پرارزشی است.

کتاب فلور ایران تدوین آقای دکتر احمد قهرمان به تحقیق در نوع خود نخستین گام در عرصه‌ای عظیم و تقریباً طی نشده است. موقعیت خاص جغرافیایی و تنوع ژئوبوتانیک ایران سبب شده است که انواع بسیار زیادی از گیاهان در این سرزمین پهناور غنی بوجود آیند. تعداد گیاهان ایران را بیش از ۷/۰۰۰، در بعضی منابع تا ۱۰/۰۰۰ گونه، تخمین می‌زنند. آقای دکتر احمد قهرمان، آن طور که از ظواهر امر برمی‌آید، برآن شده است تا تصویری رنگی

است. همچنین تعداد معاصرانی که فقط بدانند - درک حضوری به کنار - وطن ما از چه تنوع اقلیمی و زیباییها و جاذبه‌های گوناگون طبیعی و غنای گیاهی و حیوانی برخوردار می‌باشد بسیار اندک است. نگارنده این سطور بیرون از دایره طبیعت‌دوستان و کوهنوردان و شکارچیان و محققان و محصلان علوم زیست محیطی و سایر علوم ذریبط، که روی هم رفته عسری از اعشار جمعیت ایران را نیز تشکیل نمی‌دهند، ندیده است کسی را که، به عنوان مثال، بشنود در همین کویر جنوبی تهران دنیایی وجود دارد سرشار از چشم اندازهای حیرت‌انگیز طبیعی و گیاهی و حیوانی، و به هنگام شب دریایی از ستارگان درخشان برزمینه‌ای کبود، و ناباورانه به چشمهای گوینده نگاه نکنند. و به کمتر کسی برخورده است که بدانند از خزنده‌ای چون کروکودیل تا پرنده‌گانی چون قو و پلیکان و فلامینگو و سیاه خروس در این کشور زندگی می‌کنند و می‌شود به زیستگاههای آنها رفت و علاوه بر درک زیباییهای طبیعی، گونه‌های فراوان را به آسانی و گونه‌های نادر را اگر بخت همراهی کند به چشم دید و لذت برد. در سالهای اخیر، البته گامهایی در

از این جامعه پر شمار گیاهی ارائه دهد. قدمی یقیناً بزرگ که همت و عشقی عظیم می طلبد. سعیش مأجور باد. نگارنده این سطور با اعتقاد صمیمانه به ارزش کار تدوین کننده خصوصاً می گوشت نکات انتقاد آمیز را ذکر کند که توجه به آنها ارزشهای ساختاری و فنی کتاب را افزون خواهد کرد.

نوشتن آن طور که از ظواهر امر برمی آید، چون کتاب فلور ایران فاقد هرگونه مقدمه ای است. وقتی در چنین زمینه وسیعی کتابی منتشر می شود که جلد اول نام می گیرد و سپس جلد دوم آن منتشر می گردد، خواننده علاقه مند مایل است بداند که تدوین کننده چه حجمی از کار را در نظر دارد؟ آیا بر آن است تا همه جامعه گیاهی ایران را معرفی کند، یا بخشی از آن را؟ تدوین کننده چنین اطلاع لازمی را از خوانندگان کتاب دریغ کرده است.

همچنین، از آنجا که کار در هر صورت عظیم و به هر حال تازه خواهد بود، خواننده علاقه مند است بداند که تدوین کننده در تهیه اطلاعات لازم برای چنین پژوهش عظیمی بر مطالعات علمی و عملی شخص خود متکی بوده است، که حجم کار و وسعت اطلاعات مورد نیاز تقریباً این امر را غیر ممکن می سازد، یا از همکاری دیگران سود برده است؟ در این صورت این همکاران چه کسانی هستند و در چه زمینه هایی و تا چه حدودی در تدوین کتاب سهیم بوده اند؟ ضمناً بهتر می بود تدوین کننده کتاب نقدی علمی از منابع منتشر شده مورد استفاده خود ارائه می داد و درجه اعتماد و اتکاء و استفاده خود را از آنها روشن می ساخت.

همچنین، جای مقدمه ای که مناطق عمده جغرافیای گیاهی را تفصیل معرفی کند و خصوصیات ژئوبوتانیک و گونه های غالب در هر یک از آنها را بشناساند، و به عبارت دیگر جامعه گیاهی ایران را در یک آینه تمام نمای ژئوبیولوژیک بنمایاند، در این کتاب حقیقتاً خالی است. چنین مقدمه ای به خواننده کمک می کرد که تصویری کلی از گیاهان ایران در رابطه با ویژگیهای ژئولوژیک متفاوت و اقلیمهای مختلف در ذهن داشته باشد و بهتر بتواند مکان و ارزش زیست شناختی هر گیاه را تشخیص بدهد.

و نیز جای مقدمه ای که روش تدوین کتاب را توضیح بدهد، خالی است. کار علمی نمی تواند بدون روش علمی در کلیه جهات باشد و همچنین بدون تقسیم بندی علمی، بویژه در زمینه ای که طی هفت تا ده هزار موضوع مطالعه در میان است، حق بود تدوین کننده کتاب توضیح می داد که در تدوین کتاب چه نوع طبقه بندیها و تقسیم بندیهای بکار برده است. آیا گیاهان را، به عنوان مثال، بر حسب مناطق جغرافیای گیاهی ایران تقسیم بندی و معرفی کرده

است، یا بر حسب تیره های گیاهی، یا طبقه بندیهای دیگر؟ متأسفانه، تا آنجا که می توان از دو جلد منتشر شده دریافت، این کتاب فاقد چنین طبقه بندیهایی است.

این نکته شایان ذکر است که نسخه ای از جلد های اول و دوم کتاب فلور ایران که در اختیار من قرار داشت بی ترتیب بود. کوشیدم آنها را منظم کنم. بنظر می رسید که «شماره انتشار» هر برگه بهترین کلیدی است که جهت مرتب کردن برگه های کتاب وجود دارد (چون مطمئن نبودم با یکی دو نفر کتاب شناس مشورت کردم آنان نیز همین عقیده را داشتند). بر این اساس، یعنی اگر دو جلد منتشر شده فلور ایران به ترتیب شماره برگه ها منظم شود و مورد مطالعه و نقد قرار گیرد، باید گفت کتاب حاضر در مجموع تألیف کاملی، که از نظم خاصی برخوردار باشد و در ساخت و پرداخت آن به عنوان یک کتاب شیوه های لازم کتاب نویسی بکار رفته باشد، نیست. در واقع، برگه های موجود در این دو جلد را می توان فیش های جمع آوری شده ای دانست که فعلاً منتشر شده است (متأسفانه با صرف هزینه های بسیار) تا بعداً، که همه فیش ها منتشر گردید، با استفاده از شماره کد آنها را مرتب کرد و احتمالاً به صورت کتاب در آورد. شاید راز اینکه کتاب حاضر به شکل فعلی، یعنی برگه برگه، منتشر شده است همین باشد. ولی، با توجه به مشکل مراجعه به این برگه ها و مطالعه گونه های مورد نظر، خصوصاً که فقط یک فهرست اسامی علمی گونه ها در اختیار خواننده قرار دارد نه بیشتر، و نه مثلاً فهرستی از اسامی فارسی گونه ها، به ضرس قاطع می توان گفت که هرچه بر مجلدات این کتاب افزوده شود خواننده علاقه مند غیر متخصص بیشتر حس خواهد کرد که قادر به استفاده جدی از این کتاب نیست و بیم بیشتری پیدا خواهد کرد که نظم برگه ها کلاً بهم بخورد یا برگه هایی مفقود شود. حقیقت این است که کتاب فلور ایران، به شکل فعلی، فقط به درد متخصصان و پژوهشگران و محصلان گیاهشناسی می خورد تا از برگه های آن به عنوان فیش استفاده کنند.

و اما این کتاب در همین وضع و حد فعلی نیز نقایصی دارد که اگر در مجلدات بعدی یا در چاپ دوم جلد های یک و دو برطرف گردد، فواید برگه ها افزون خواهد شد. می دانیم که گیاهان ایران، چه گیاهان گلدار و چه گیاهان بی گل، عمدتاً نامهای شناخته شده و ثبت شده ای ندارند. این کمبود تا حدی به این دلیل است که هنوز پژوهش کافی صورت نگرفته تا نامهای محلی گیاهان کشف و انتخاب و ثبت شود، و تا اندازه ای به این علت که پدران ما در این سرزمین، شاید به علت نحوه ارتباطشان با طبیعت و ویژگیهای

فرهنگیشان، درصد برنیامده اند تا دقیقاً هر گیاه یا حیوان خاص را شناسایی کنند و نام مخصوصی برای آن انتخاب کنند. به عنوان مثال نمی گفتند گل زرد، و منظورشان ممکن بود یک یا چهار یاده گونه گل مختلف باشد که فقط در رنگ اشتراك داشتند. همین بدین ترتیب، واضح است که نمی توان از هیچ نویسنده پژوهشگری انتظار داشت که در کتاب خود نام صحیح و قطعی همه گیاهان را ذکر کند، ولی می توان انتظار داشت که در این راه مجدانه و در حد توان خود بکوشد زیرا نام است که به موجودات مختلف هويت می بخشد، و شاید این نامگذاری بزرگترین گام باشد در شناسایی آنها.

تدوین کننده کتاب فلور ایران، در موارد بسیار نام گیاهان را ذکر کرده است، ولی موارد فراوانی نیز هست که یا اصلاً نامی ذکر نکرده یا با عبارتی نظیر «گونه ای...» کار نامگذاری را خاتمه داده است.

از آنجا که تدوین کننده حد تحقیقات علمی و عملی خود را در جمع آوری اطلاعات مندرج در این کتاب مشخص نکرده، نمی دانیم آیا گیاهان بی نام این کتاب حقیقتاً در هیچ نقطه ای از ایران و در هیچ سند علمی مکتوبی نامی به خود نگرفته اند، یا ممکن است نامی داشته باشند ولی به دلیل عدم تفحص کافی از نظر تدوین کننده پوشیده مانده است. به هر صورت، اگر مورد دوم صحیح باشد، از تدوین کننده انتظار می رود که توجهی جدی تر نسبت به یافتن و ذکر اسامی گیاهان مبذول دارد، و اگر مورد اول درست است از او که خود از استادان این رشته است انتظار می رود با استفاده از قرائن و با رعایت موازین علمی و زبان شناختی نامی پیشنهاد کند. این کار، یقیناً خدمتی دو جانبه به علم گیاه شناسی و زبان فارسی خواهد بود.

نکته مهم دیگر انتشار جغرافیایی گیاهان است. آیا نقاطی که ذکر شده شامل کلیه زیستگاههای هر گیاه در سراسر ایران است؟ با استناد به این کتاب آیا می توان با یقین نسبی اظهار داشت که در نقاط دیگر ایران گیاه مزبور یافت نمی شود؟ یا نقاط ذکر شده فقط آنهایی هستند که تدوین کننده و همکاران احتمالی او بچشم دیده اند و یا از اسناد مکتوب موجود ضبط کرده اند، ولی کلیه نقاط ایران را از لحاظ پراکندگی هر گیاه بطور دقیق بررسی نکرده اند؟ تدوین کننده کتاب در این مورد بسیار مهم نیز توضیحی به خواننده نداده است و در نتیجه خواننده نمی تواند یقین حاصل کند که زیستگاههای هر گیاه در سراسر ایران دقیقاً بررسی و تعیین شده باشند.

و بالأخره، از آنجا که این کتاب فلور رنگی ایران است و درست نیمی از کتاب و بخش عمده هزینه های آن به عکسهای رنگی گیاهان اختصاص دارد، و بدون تردید ارزش بصری کتاب در درجه اول اهمیت قرار دارد، انتظار می رفت که عکسها دقیق و نورپردازی آنها صحیح باشد و چاپ برگه ها از کیفیتی برخوردار باشد که رنگ طبیعی گیاهان را منعکس کند. متأسفانه نام عکاس یا عکاسان کتاب ذکر نشده است. لابد چنین نتیجه باید گرفت که تدوین کننده کتاب خود نیز کار عکاسی را بعهده گرفته است. در هرحال آنچه روی برگه ها چاپ شده عکسهایی عموماً غیردقیق است با رنگهای نادرست. چنین بنظر می رسد که ترکیبی از عکاسی بد و چاپ بدتر مبالغ بسیار زیادی پول را هدر داده و نخستین فلور رنگی ایران را، تا آنجا که به ارزشهای بصری کتاب مربوط می شود، به صورت غم انگیزی درآورده است. پیشنهاد می شود که اگر آقای دکتر احمد قهرمان درصد هستند دنباله این کار را بگیرند، و اگر ناشران کتاب تصمیم دارند چاپ آن را ادامه دهند، در انتخاب عکسها سختگیری بیشتری از خود نشان دهند و در کار چاپ کیفیت فنی بهتری را در نظر گیرند.

فرمود: عیب می جمله بگفتی هنرش نیز بگوی. کمتر پیشاهنگی بوده، یا اصلاً هیچ پیشاهنگی نبوده، که در جهان اندیشه و علم و هنر و ادبیات قدم نهایی را نیز خود برداشته باشد و پرونده کار را بسته باشد. برداشتن همان قدم نخستین، همان پی نهادن، با همه نقایص و کمبودهای احتمالی، خدمتی عظیم بشمار می رود. نقایص و کمبودهای قدم اول مصیبت جبران ناپذیری نیست و فقط بیکاره ها و بداندیشان و حسودان آنها را وسیله جنجال قرار می دهند. خود پیشاهنگ یا شاگردان و دنباله روان او قدم به قدم، و آجر به آجر، کار آغاز شده را تکمیل خواهند کرد.

آقای دکتر احمد قهرمان با تدوین و انتشار فلور ایران برهرحال فضل تقدم را در این زمینه بسیار مهم از آن خود کرده است. ولی ارزش کار ایشان فقط محدود به پیشاهنگ بودن محض نیست. واقعیت این است که تدوین کننده گامی بلند در جهت شناسایی علمی گیاهان این سرزمین و تهیه فلور رنگی ایران برداشته است و مدارك ذیقیمتی فراهم آورده که، با وجود همه نقایص و کمبودهایش، خصوصاً مورد استفاده محققان و محصلان علم گیاهشناسی قرار خواهد گرفت. راهی که ایشان طی کرده بی ثمر نیست. فقط، مثل هر کار علمی دیگری، باید بوسیله خود او و دیگران تصحیح و تکمیل شود.